

كو دكان

== كتاب مقدس ==



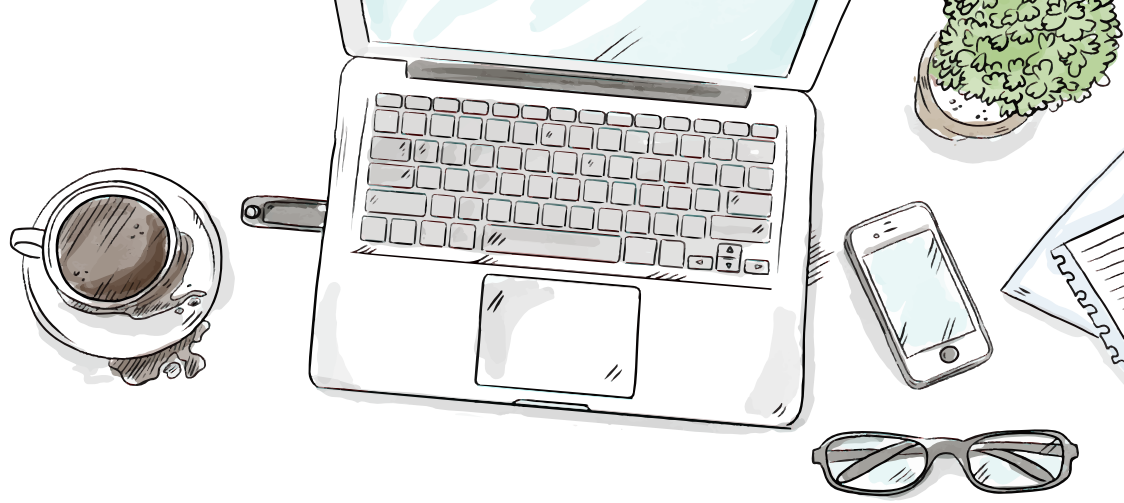
مجموعه "کودکان کتاب مقدس"

درس پنجم : داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماھے
گروه سنے: ۴-۸ سال

هدف: گرچه کوچیکم اما من مے تونم از همین الان با خدا
همکاری کنم.

آیات کلیدی: یوحنا ۶: ۹





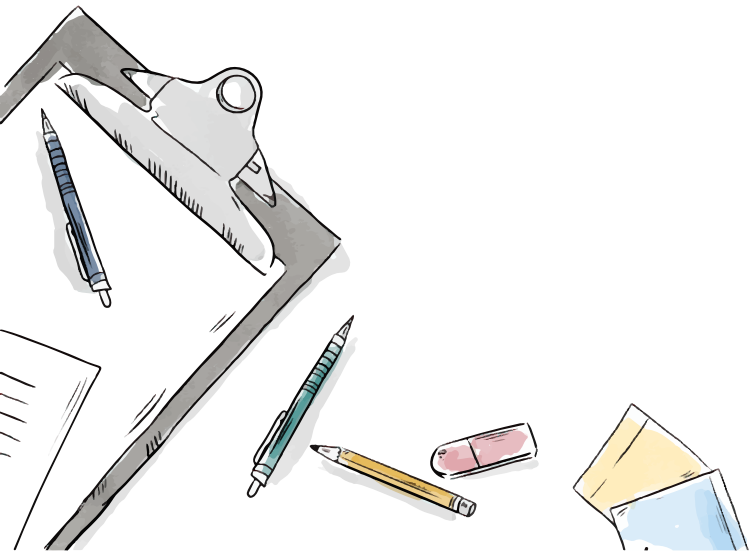
سخنے با مربے:

موضوع همکاری در کودکان به معنی "به اشتراک گذاری" است. کودکان نوپا در سن دو سالگی مفهوم "به اشتراک گذاری" را درک نمی‌کنند. به عنوان مثال، اگر کودکی وسیله‌ای را که یک کودک دیگر دارد بخواهد داشته باشد، ممکن است آن کودک متوجه نشود که چرا باید انتظار دریافت آن وسیله را داشته باشد، همچنین کودکی که وسیله‌ای را دارد متوجه این نیست که می‌تواند آن را با دیگران به اشتراک بگذارد. از کودکان در این گروه سنی نباید به شکل غیر واقعی انتظار داشته باشیم که بتواند با دیگران همکاری کند، تنبیه هم در مسیر یادگیری به هیچ عنوان کمکی به او نمی‌کند بلکه بهتر است کودک را در این شرایط به این صورت راهنمایی و تشویق کنیم که به آن‌ها اعتماد کنیم و مسئولیت‌هایی را واگذار کنیم، تا در انجام امور روزانه مشارکت داشته باشند. این امر باعث می‌شود که روحیه‌ی همکاری و مسئولیت‌پذیری در کودکان تقویت شود و در سال‌های آینده در تعامل و انجام کارهای اجتماعی و مشارکت با دیگران موفق‌تر باشند و همچنین اعتماد به نفس و خودباوری نیز در آن‌ها رشد می‌کند.

همکاری بدان معنی است که کودکان باید بتوانند احساسات خود را مدیریت کنند و کودکان نوپا فقط در تمرین کردن است که این موضوع را می‌آموزند. از سن سه سالگی به بعد، بسیاری از کودکان در مورد اشتراک‌گذاری به این درک خواهند رسید که دیگران نیز احساساتی دارند. این بدان معنی است که بهتر می‌توانند وسایل خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و در قسمت‌هایی نوبت را رعایت کنند، اگرچه هنوز هم ممکن است به اشتراک گذاشتن اسباب‌بازی یا وسیله مورد علاقه‌شان برای آن‌ها سخت باشد، اما با تمرین کردن، این موضوع را بهتر و بیشتر یاد خواهند گرفت.

در این کمک آموزشی، به طور ویژه به پسر کوچکی که در معجزه پنج نان و دو ماهی نقش داشت، اشاره شده است که تصمیم گرفت با نان و ماهی خود، در مسیر برکت دادن به دیگران با خداوند همکاری کند.

کودک با یادگیری این داستان می‌آموزد که هر کدام از ما، در هر سنی که باشیم، می‌توانیم با اشتراک گذاشتن چیزهایی که داریم، همکار خدا در مسیر کمک کردن به دیگران باشیم.



آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

عروسک پسر بچه و سبد نان و ماهی

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: خردسال با این کار عملی، خود از همان ابتدا وارد داستان می‌شود و با شخصیت پسر بچه ارتباط برقرار می‌کند.

اگر جلسات شما مجازی برگزار می‌شود، لطفاً از قبل فایل الگوها را برای والدین ارسال کنید و از آن‌ها بخواهید تصاویر را پرینت بگیرند و وسایل مورد نیاز را برای خردسال خود در این جلسه آماده کنند.

وسایل مورد نیاز: الگوی عروسک پسر بچه، الگوی سبد نان و ماهی، چسب مایع، قیچی، رول دستمال توالت.

الگوی داده شده را برش داده و بر روی رول دستمال توالت بچسبانید. دست‌ها و وسایل دیگر را بر طبق سلیقه خود به آن اضافه کنید.
(الگوها در انتهای درس قرار دارند)

ایده دوم:

بادکنک را به مقصد برسان.

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، اهمیت همکاری در کار گروهی را می‌آموزند.

وسایل مورد نیاز: بادکنک به تعداد بچه‌ها.

توضیحات:

بچه‌ها را به دو گروه تقسیم‌بندی کنید.

یک قسمت کلاس را به عنوان مبدأ و محل شروع بازی و قسمت دیگری را به عنوان مقصد و محل پایان مشخص کنید.

به هر کدام از بچه‌ها یک بادکنک بدهید و از آن‌ها بخواهید بادکنک‌های خود را باد کنند. از بچه‌ها بخواهید به محض شروع بازی نفر اول هر گروه بادکنک خود را به هوا پرتاب کند و با سر خود آن را به سمت مقصد هدایت کند. وقتی نفر اول به مقصد رسید نفر دوم می‌تواند به سمت مقصد با بادکنک خود حرکت کند. به این ترتیب همه بچه‌هایی که در گروه

هستند باید به مقصد برسند. هر بار که بادکنک به زمین

بی‌افتد، آن فرد باید بازی را از ابتدا شروع کند.

اعضای هر گروهی که زودتر به مقصد رسیده باشند، آن گروه

برنده بازی خواهد بود..

ایده سوم:

جعبه را خالی کن!

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، اهمیت همکاری در کار گروهی را می‌آموزند.

وسایل مورد نیاز: تعدادی توپ پلاستیکی، سبد و یا جعبه، کمر بند.

توضیحات:

یک سبد کم‌عمق و سبک آماده کنید و تعدادی توپ داخل آن بریزید. سبد را به کمر بند وصل کنید.

بچه‌ها را به دو گروه تقسیم‌بندی کنید.

بازیکنان هر گروه باید به ترتیب کمر بند را ببندند و با تکان دادن کمر، توپ‌ها را به بیرون از سبد بیاندازند. در طول بازی استفاده از دست و خم شدن غیرمجاز است. هر بازیکن بعد از خالی کردن سبد باید توپ‌ها را داخل سبد قرار دهد و سبد را به هم‌گروهی خود بدهد تا او دوباره این کار را تکرار کند. گروهی که زودتر بازی را تمام کند، برنده است.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

ایده اول:

ایده اول:

داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی

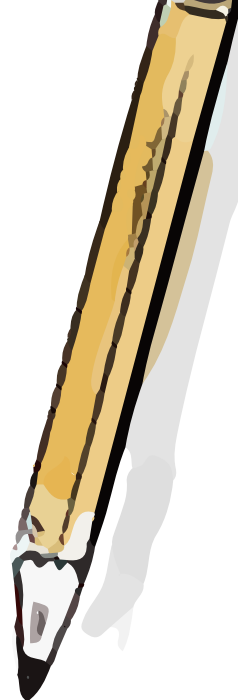
زمان: ۶ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق شنیدن و دیدن، داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی را می‌آموزند.

توضیحات:

با استفاده از ویدیو "مگول"، داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی را برای بچه‌ها پخش کنید.

[لینک "داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی"](#)



ایده دوم:

داستان داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی همراه با ماکت

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق دیدن و شنیدن داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی، خود قسمتی از این داستان می‌شوند و آن را می‌آموزند.

توضیحات:

ممکن است در کانون شادی شما خردسالانی باشند که داستان داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی را از قبل شنیده باشند، برای اینکه از تکرار جلوگیری شود شما می‌توانید با خلاقیت خود و با کمک خود بچه‌ها داستان آن را به تصویر بکشید. از قبل یک ماکت کوچک با استفاده از یک جعبه کفش درست کنید.

عروسک پسرک را به همراه عیسی، شاگرد عیسی، سبد نان و ماهی و ... را درست کنید و آن‌ها را در جعبه کفشی که از قبل آماده کرده‌اید قرار دهید. ماکت را به کلاس بیاورید و به بچه‌ها فضای آن زمان را نشان دهید. در طی داستان اشیای مختلف مانند عیسی، شاگرد عیسی و ... را به ماکت اضافه کنید و اگر از بچه‌ها کسی این داستان را به یاد دارد، اجازه دهید داستان پسرک را به صورت خلاصه برای بقیه تعریف کند و شما همراه با او داستان را با عروسک‌ها تکمیل کنید.

می‌توانید فایل الگوی شخصیت‌ها را دانلود کرده، پرینت بگیرید و در این ماکت از آن‌ها استفاده کنید (لطفاً تصویر ماکت را به بچه‌ها نشان ندهید تا با هیجان و کنجکاوی بیشتر شخصیت‌ها ساخته شوند)

خلاصه داستان پسرک در معجزه پنج نان و دو ماهی:

یک روز عیسی بیرون از شهر به مکانی دور افتاده رفت تا در تنهایی دعا کند.

اما از آنجایی که مردم او را خیلی دوست داشتند و همیشه می‌خواستند که به صحبت‌های عیسی گوش دهند، به دنبال او رفتند و کنار او نشستند. عیسی در مورد کتاب مقدس و خدا با مردم صحبت

کرد، بیمارانی که آنجا بودند را شفا داد. زمان زیادی گذشته بود که مردم با عیسی در آن بیابان بودند و همه مردم حسابی گرسنه شده بودند.

شاگردان عیسی به او گفتند زمان زیادی گذشته و مردم گرسنه‌اند، آن‌ها را به شهرهای اطراف بفرستیم تا برای خودشان غذا تهیه کنند.

عیسی به شاگردان خود گفت که احتیاجی نیست مردم جایی بروند، شما برای مردم غذا تهیه کنید. اما شاگردان گفتند تعداد مردم خیلی زیاد است و ما نمی‌توانیم برای همه‌ی آن‌ها غذا تهیه کنیم. عیسی به آن‌ها گفت بروند و از مردم بپرسند که چند نان دارند.

بعد از مدتی یکی از شاگردان آمد و گفت در اینجا پسر کوچکی است که فقط پنج نان و دو ماهی دارد. عیسی گفت او را پیش من بیاورید.

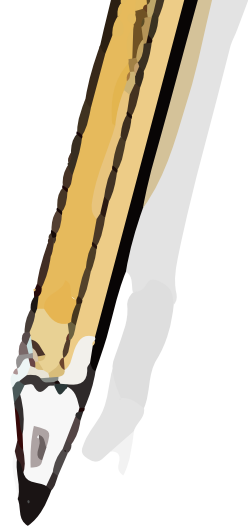
پسر کوچک پیش خودش فکر کرد که من می‌توانم به عیسی در خوراک دادن به مردم کمک کنم، پس تصمیم گرفت سبد خودش که پنج نان و دو ماهی در آن بود را به عیسی بدهد.

عیسی سبد او را گرفت و خدا را شکر کرد. سپس سبد نان و ماهی را به شاگردان داد تا بین مردم پخش کنند.

شاگردان غذا را بین مردم پخش کردند و همه مردم سیر شدند، چند سبد دیگر از نان و ماهی هم اضافه آمد.

پسر کوچک خیلی خوشحال بود که توانسته بود با عیسی در خوراک دادن به مردم همکاری کند. او متوجه شد که خدا می‌تواند از او برای کمک کردن به مردم استفاده کند و با خدا همکاری کند.

بعد از اینکه داستان به پایان رسید از بچه‌ها بخواهید در طی هفته آینده با استفاده از یک جعبه کفش، پسرک و سبد نان و ماهی که در ابتدای جلسه درست کردند، آن‌ها نیز ماکت خود را تکمیل کنند.



نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان هم شنیدیم، خدا از پسر کوچک و آنچه داشت استفاده کرد تا جماعتی بزرگ را برکت دهد. امروز ما چه کوچک و چه بزرگ، در هر سنی که باشیم می‌توانیم همکاران خداوند باشیم و با هر چه داریم، برای کمک کردن به دیگران با خدا همکاری کنیم.

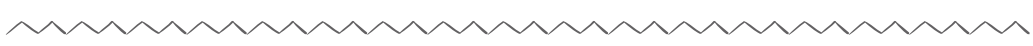
بعد از اینکه همه جملات خود را به خدا گفتند، از بچه‌ها بخواهید اسم و سن خود را در اول این جمله بگذارند و تک‌تک آن‌ها این جمله را اعلام کنند:
من... (اسم کودک) کوچیکم و... (سن)، می‌تونم با خدا همکاری کنم!
مثال: من رکسانا، کوچیکم و ۵ سالمه، می‌تونم با خدا همکاری کنم!
من امیرعلی کوچیکم کوچیکم و ۷ سالمه، می‌تونم با خدا همکاری کنم!

کارگاه اجرایی:

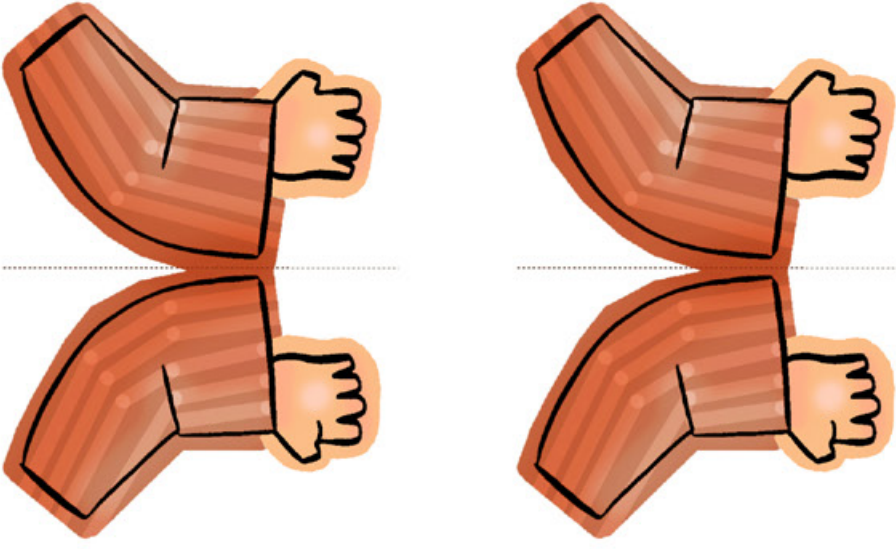
بچه‌ها را دو به دو گروه‌بندی کنید. به هر گروه یک مسئولیت بسپارید.
به عنوان مثال:
گروه یک: به همراه مربی خود خوراکی‌ها را بین بچه‌ها تقسیم کند.
گروه دو: با کمک مربی خود صندلی‌ها را مرتب کند.
گروه سه: به مربی خود در جمع کردن وسایل کمک کند.
و ...
به آن‌ها توضیح دهید کمک کردن ما به یکدیگر یک نوع همکاری کردن با خدا برای کمک به دیگران است.

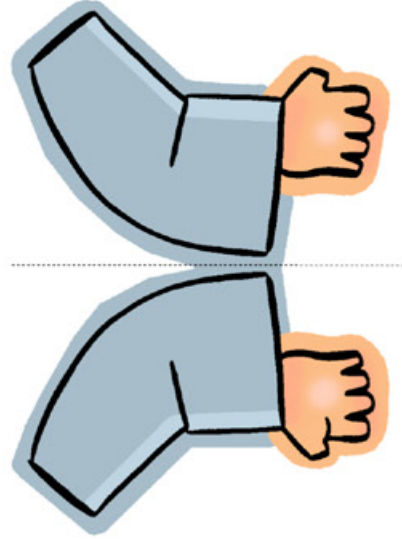
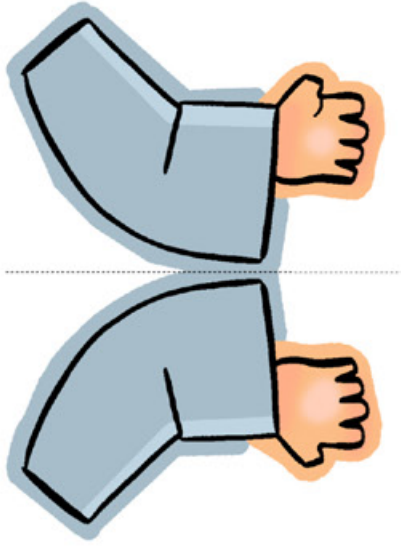
در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

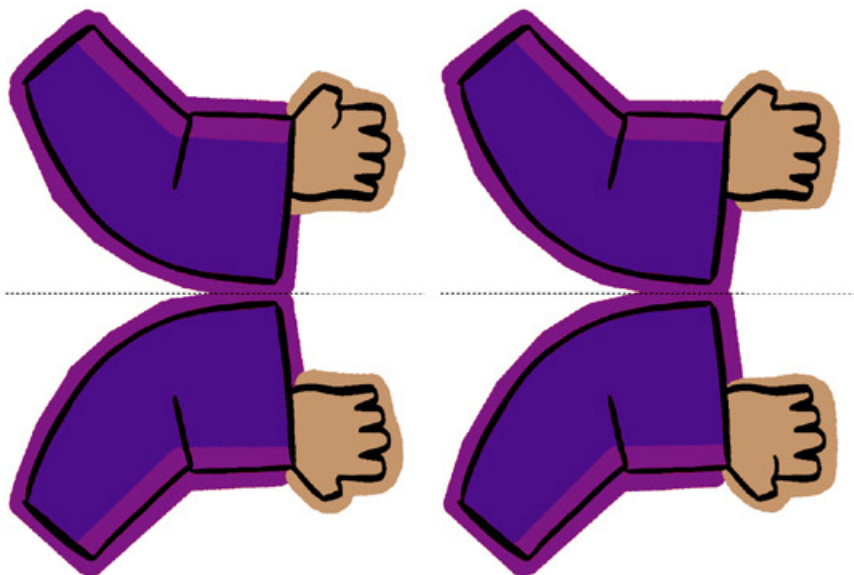
- [سرود پرستشی "او را می‌پرستم"](#)











تصویر شماره ۳

